

• یادداشت •
• یونس خسروانی •

رمزگشایی از بُعد بالای کارگاهی در بوشهر

استان بوشهر، حدود ۱۰ هزار و ۵۰۰ کارگاه دارد. تعداد بیمه‌شده‌های این استان، بیشتر مربوط به مناطق صنعتی استان است که اکثرا مهاجر هستند. یعنی در داخل استان، سکونت ندارند و از طرف دیگر، کارگاه‌های بسیار بزرگی مثل پتروشیمی‌ها یا پالایشگاه‌ها هستند که تعداد بیمه‌شده‌های‌شان، بسیار بالاست. مثلا ما کارگاهی داریم که شش هزار بیمه‌شده دارد. کارگاه‌های کوچک هم وجود دارند که در داخل استان، مشغول به کارند و اغلب صنفی هستند. بنابراین، تقریبا اکثر بیمه‌شده‌ها در استان بوشهر، در سه چهار شعبه‌ای که صنایع نفت و گاز را پوشش می‌دهند، مستقر هستند. در واقع، یکی از اصلی‌ترین دلایلی که توازن بعد کارگاهی را برهم می‌زند، همین نکته است.

در این بین، جامعه کارگری و کارفرمایی هم مطالباتی دارند. یکی از مشکلاتی که صنعت در کشور ما دارد، نبود «صنعت‌شهر» یا شهرک‌های صنعتی است که جای خالی‌اش، بسیار احساس می‌شود. استان بوشهر هم از این موضوع مستثنی نیست. از آنجایی که کارفرماها و بیمه‌شده‌ها اغلب مهاجر هستند، در نتیجه برخی از آنها تلاش نمی‌کنند آن ابزاری را که برای یک شهر مدرن نیاز است، به وجود آورند. مثلا در شهر کنگان -که قیلا ۷۰ هزار نفر جمعیت داشته و الان یک شهر ۲۵۰ هزار نفری شده است- ترکیب جنسیتی جمعیت شش به یک است؛ یعنی به ازای هر شش نفر مرد، یک زن وجود دارد. در این منطقه، خودکشی و مشکلات روانی، بسیار بالاست. چون ما صنعت‌شهر درست نکرده‌ایم. عده‌ای برای مدتی زندگی مجردی دارند و پس از مدتی، به محل زندگی خود برمی‌گردند. به‌عبارتی بُعد بالای بیمه‌پردازی در استان بوشهر حداقل نکته‌ای که به ما می‌گوید تراکم نیروی کار در مناطق کوچک خارج شهر است. ما باید دیوار بین صنعت و شهر را برداریم و اجازه دهیم مردم با صنعت، یکی شوند. در یک صنعت‌شهر، ما می‌توانیم تمام امکانات یک زندگی مطلوب را -اعم از بیمارستان، فضای تفریح، مراکز آموزشی و ... - فراهم کنیم. در این صورت، به جای اینکه فقط صنعت در جریان باشد، زندگی هم در جریان است. به این ترتیب، تلفات ناشی از زندگی در نقاط صنعتی که دور از امکانات است و افرادی که به دور از خانواده‌های‌شان مشغول به کار هستند، کاهش خواهد یافت. مردم در این نقاط، تفریحی به جز کار ندارند و آنجا را محل سکونت موقت به حساب می‌آورند.

البته الزامی وجود ندارد که برای برقراری توازن بُعد کارگاهی، همه شهرهای کشور، صنعتی شوند. من به شدت با این مسئله مخالفم که در شهرهای مختلف، پتروشیمی ایجاد می‌کنند. بوشهر اولین استانی بود که مردمش به دلایل زیست‌محیطی تجمع کردند و اجازه ندادند که وزیر صنعت و معدن در اسفندماه گذشته، کلنگ پتروشیمی را بزند. این در حالی است که در گذشته، مطالبه مردم همین احداث پتروشیمی بوده، ولی کم‌کم به این نتیجه رسیدند که صنعت، چندان دردی از مردم دوا نمی‌کند؛ چون صنعت هر جا که پا گذاشته، دیواری دور خود کشیده و امکانات خاصی را فقط برای خودش محصور کرده و جز آلودگی، برای مردم چیزی به همراه نداشته است. بُعد بالای کارگاهی در بوشهر موبد این نکته است که کارگاه‌های کوچک شهری رونقی ندارند و این یعنی مردم در شهرهای این استان از بیکاری رنج می‌برند اما در حاشیه شهرها و در مناطق خاص صنعتی هزاران کارگر مهاجر به دور از امکانات زندگی شهری در حال کار هستند. در واقع ما در شرایطی باید صنعتی شدن را در شهرها و استان‌های کشور پیاده کنیم که شرایط یک زندگی مطلوب برای مردم آن منطقه، مهیا باشد تا زندگی جریان داشته باشد، نه اینکه فقط کار در جریان باشد.

مدیرکل تأمین اجتماعی استان بوشهر

نیمی از سالمندان کشور، زیر پوشش تأمین اجتماعی هستند

مدیرکل تأمین اجتماعی غرب‌تهران، با بیان اینکه جمعیت سالمندان کشور بیش از ۷ میلیون نفر است، از پوشش بیمه‌ای و درمانی حدود نیمی از سالمندان خبر داد. ناهید حیدری، تعداد بازنشستگان تأمین اجتماعی را ۳ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر اعلام کرده که با افراد تحت‌پوشش، جمعیتی بالغ بر ۵ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر می‌شوند. به گفته حیدری، بیش از ۶۰ درصد از کل هزینه‌های تأمین اجتماعی، مربوط به تعهدات بلندمدت، از جمله پرداخت مستمری بازنشستگان است. وی توجه به دغدغه‌های درمانی بازنشستگان را از اولویت‌های اجتناب‌ناپذیر دانست و گفت: «سازمان تأمین اجتماعی، وظیفه اصلی خود را حمایت بیمه‌ای و درمانی از جمعیت زیرپوشش خود می‌داند.»

۶۰ | آگتیه‌نو

ویس‌شتره

تحلیل آمارهای بیمه‌پردازی

پیام آمارها به سیاستگذاران اشتغال



در مناطق مختلف هشدار دهد. در حقیقت، این شاخص وضعیت مناطق و استان‌ها را توصیف می‌کند. برای مثال، در مناطقی که این شاخص، پائین‌تر از حد متوسط است، همان مناطقی هستند که فعالیت صنفی در آنها زیاد است و عموم بیمه‌شدگان نیز در کارگاه‌های کوچک زیر ۵ نفر کار می‌کنند. به همین ترتیب، استان‌هایی دارای بعد کارگاهی بالاتر از حد متوسط، استان‌هایی هستند که کارخانه‌ها و واحدهای صنعتی بزرگ آنها بیشتر است. بنابراین، این

• یادداشت •
• حسین مشیری •

در بحث‌های محاسبات بیمه‌ای سازمان تأمین اجتماعی، شاخصی به نام بعد کارگاهی وجود دارد که عبارت است از تعداد بیمه‌شدگان اجباری، به تعداد کارگاه‌های فعال زیرپوشش. این شاخص، از جمله شاخصی‌هایی است که به صورت ایستا و تک‌بعدی موضوع مشخصی را به ما نمی‌گوید.

بنابراین برای تحلیل وضعیت استان‌ها و مناطق مختلف کشور، از نظر نوع و پراکندگی کارگاه‌ها و همین‌طور ان‌رگذاری آنها باید به شاخص‌های پویا توجه کرد. مثلا دوره‌های مختلف را بررسی کنیم تا ببینیم کارگاه‌های هر استان یا منطقه، چه تحولاتی را پشت سر گذاشته‌اند. برای مثال، در استان‌هایی مانند مازندران و گلستان، تعداد کارگاه‌های کوچک، بسیار زیاد است اما در استانی مانند بوشهر، کارگاه‌هایی فعال‌اند که هزاران نفر در آنها شاغل‌اند. طبیعی است که نسبت تعداد بیمه‌شدگان (صورت کسر) به تعداد کارگاه‌ها (مخرج کسر) در استانی مانند بوشهر، بسیار بیشتر از استان‌های شمالی کشور دارای کارگاه‌های کوچک است.

به همین دلیل است که گفته می‌شود بعد کارگاه، شاخصی کامل نیست و استاندارد به آن، برای تحلیل وضعیت کارگاه‌ها، به تنهایی کافی نیست. ضمن اینکه این شاخص، قدری گمراه‌کننده است. بدین معنا که اگر فرض کنیم تعداد کارگاه‌ها به یک‌باره کم شود اما در عوض، تعداد بیمه‌شدگان ثابت یا زیاد باشد، بعد کارگاه به یک‌باره بالا می‌رود. بنابراین، صحبت بر سر این است که بعد کارگاه، شاخصی نیست که در باره وضعیت کارگاه‌ها

کارگاه‌های کوچک یا بزرگ؛ کدام یک بیمه‌پردازی بیشتری دارند؟

ساحلی شمالی، با چنین ظرفیتی روبه‌رو نیستیم؛ بلکه حوزه‌هایی مانند پرورش آبزیان یا صیادی رونق دارد و تعداد کارگاه‌ها نیز عموما متوسط یا کمتر است. طبیعتا در این کارگاه نیز تعداد بیمه‌شدگان و حق بیمه‌های پرداختی به تأمین اجتماعی کمتر خواهد بود. همین الگو را می‌توان در استان‌های مرزی غربی یا شرق کشور ملاحظه کرد که با توجه به ظرفیت‌های موجود، صنایع‌دستی و کوچک رواج دارند. در اینجا بحث بر سر این است که مختصات جغرافیایی و ظرفیت‌های مناطق تعیین می‌کند هر استان چه تعداد و چه نوع کارگاه فعالی داشته باشد و از همین زاویه است که می‌توان نحوه پوشش بیمه‌ای در هر منطقه را نیز تحلیل کرد. به همین علت است که در استان‌های جنوبی، کارگاه‌ها عمدتا بزرگ است اما در استان‌های آذربایجان‌شرقی و غربی یا ایلام و دیگر مناطق نوار مرزی، صنایع عموما کوچک هستند و به تبع آن، صنایع کارگاه‌ها نیز کوچک‌اند. بر همین اساس، در تحلیل نهایی باید گفت که کمیت و کیفیت اشتغال است که نوع بیمه‌پردازی و نوع کارگاه‌ها را تعریف می‌کند؛ اما تاثیر چندانى در روند بیمه‌پردازی تأمین اجتماعی ندارد.

کارشناس تأمین اجتماعی

بزرگ یا کوچک در مناطق مختلف تابع ملاحظات خاصی است. هرچند به طور ضمنی می‌توان تأیید کرد که کارگاه‌های بزرگ، مقررات قانون کار و تأمین‌اجتماعی را رعایت می‌کنند؛ این به معنای رعایت‌نکردن مقررات در کارگاه‌های کوچک نیست. ضمن اینکه ضوابط مشخصی در فرآیند بیمه‌پردازی وجود دارد که از جمله آنها مواد ۲۸، ۳۶، ۳۹، ۴۱ و ۵۰ قانون تأمین اجتماعی است که بیمه‌پردازی را ممکن می‌کنند. این مسئله، ابعاد دیگری هم دارد که از جمله آنها، نوع صنوف و مشاغل و پراکندگی توزیع آنها در مناطق مختلف است. از نظر توزیعی، شاید نتوان دسته‌بندی دقیقی از کوچک یا بزرگ بودن کارگاه‌های فعال، بعد کارگاهی و مواردی مانند تعداد بیمه‌شدگان انجام داد. به عبارتی دیگر، توزیع کارگاه‌ها در هر استان تا حدود زیادی به موقعیت و ظرفیت‌های استان‌ها بستگی دارد. به‌هرحال، در تعدادی از استان‌ها صنایع بزرگ و بالادستی فعال هستند و به شکل طبیعی باید انتظار داشت تعداد کارگاه‌های بزرگ، بیشتر از کارگاه‌های کوچک باشد. برای نمونه، در استان‌های نفت‌خیز جنوبی، شرکت‌های پتروشیمی که عموما هم بزرگ هستند فعالیت می‌کنند؛ اما در استان‌های

الزاما باید پشتیبانی‌های لازم را به عمل آورند. طبیعتا در دیگر شهرهای بزرگ نیز می‌توان همین نوع توزیع کارگاه را با نوساناتی مشاهده کرد. نکته جالب‌توجه این است که کارگاه‌های بزرگ، به علت نظام و نوع ساماندهی متفاوتی که دارند، آشنایی بیشتری با قوانین و مقررات حوزه روابط کار و تأمین اجتماعی دارند و بخش‌های ویژه‌ای را برای عمل به ضوابط بیمه‌ای تعیین می‌کنند و تا حدود زیادی وظایف خود را در قبال نیروهای کار خود، به درستی انجام می‌دهند. بررسی‌ها نشان می‌دهد این نوع کارگاه‌ها در شرایط رکودی و مشکلات مالی، تا حدود زیادی به اهمیت بیمه‌پردازی پایبند هستند. با این حال، سازمان تأمین اجتماعی بخش زیادی از منابع ورودی خود را از کارگاه‌های کوچک دریافت می‌کند. اگر لیست‌های ارسالی حق‌بیمه را م‌سلاک قرار دهیم، در اکثر موارد، کارگاه‌های دارای ۵ تا ۱۰ نفر کارگر، تعیین‌کننده هستند و در بقیه موارد نیز کارگاه‌های شاخص و شناخته‌شده در صنایع بزرگ به چشم می‌آیند. تجربه هم نشان می‌دهد اجرای ضوابط در کارگاه‌های دارای کارگر بیشتر، بهتر رعایت می‌شود و حساسیت بیشتری به مسائل بیمه‌ای وجود دارد. به‌هرحال، روند بیمه‌پردازی در کارگاه‌های

• یادداشت •
• داود سعدزاده •

به طور کلی، تاسیس و اداره کارگاه‌های بزرگ و کوچک در مناطق مختلف کشور، به شرایط و استعداد‌های اشتغالی هر منطقه‌ای و به صورت مشخص‌تر، به نوع و ماهیت کارگاه‌ها بستگی دارد.

برای نمونه، صنایعی که در استان بوشهر و دیگر استان‌های جنوبی کشور فعال‌اند، شرکت‌هایی بزرگ هستند که صنایع کلیدی و عمده کشور را اداره می‌کنند. بنابراین، طبیعی است که کارگران بیشتری در چنین کارگاه‌هایی استخدام می‌شوند و کارگاه‌های بزرگ شکل می‌گیرند. اما در مناطقی که ظرفیت و امکانات صنعتی چندان زیادی وجود ندارد، طبیعی است که کارگاه‌های کوچک تشکیل می‌شوند و طبق لیست نیز حق بیمه‌های خود را ارسال می‌کنند. این یک پیش‌فرض کلی است. روشن است در استان تهران -به دلیل شرایط خاص آن- صنایع بزرگ و کوچک همزمان وجود دارند. بدین معنا که استان تهران دارای صنایع بزرگ زیادی است و عموم کارگاه‌های صنعتی، تولیدی، فنی، خدماتی و... نیز

آیا توسعه کارگاه‌های صنعتی، نیاز همه استان‌هاست؟

که نباید به آسانی از آن گذشت. به طور کلی، الزامی نیست که همه استان‌ها به بعد کارگاهی بالایی دست پیدا کنند و همگی مثل هم اشتغال‌زایی داشته باشند. مثلا استان بوشهر، ظرفیتی دارد که باعث شده فلان متخصص را از تهران به سمت خودش بکشاند و بعد کارگاهی بالایی را داشته باشد. در واقع، من معتقدم نباید به هر قیمتی، بعد کارگاهی را بالا برد.

رئیس گروه اطلاعات و آمار بیمه‌ای- دفتر آمار و محاسبات اقتصادی و اجتماعی سازمان تأمین اجتماعی

صنعتی آن استان، مسئله مهمی است که در موفقیت یک کارگاه یا کارخانه موثر خواهد بود. حتی ممکن است با احداث کارخانه‌ای بزرگ در یک استان، ظرفیت‌ها و کاربری‌های اصلی آن منطقه را نادیده بگیریم و باعث تخریب محیط‌زیست و پتانسیل‌های دیگر آن استان شویم.

مثلا در استانی مثل مازندران -که بستر کشاورزی مهیاست- پتانسیل بالایی برای احداث کارخانه بسته‌بندی وجود دارد. در واقع، ارزیابی هر منطقه و شناخت پتانسیل‌های آن برای احداث کارگاه، مسئله مهمی است

باشد- هر کارگاه، تنها یک یا دو نفر بیمه‌شده دارد. همین مسئله، باعث می‌شود توازن بعد کارگاهی برهم بخورد. بنابراین اگر بخواهیم وضعیت بعد کارگاهی را در هر استان با استان دیگر مقایسه کنیم، باید نگاه وسیع و چندجانبه‌ای داشته باشیم. برخی معتقدند که باید در برخی استان‌ها که تعداد کارگاه بالاست، اما بیمه‌شده کمی دارند، کارخانه‌های بزرگ احداث شود تا برای بومی‌های آن منطقه، اشتغال فراهم شود. این مسئله، نکته درستی است، اما نباید این را هم فراموش کرد که وجود پیوست اجتماعی و فرهنگی، در کنار جنبه